

## تأملی در زندگی شیخ محمد علی حزین لاهیجی

دکتر شهناز پروین\*

شیخ محمد علی حزین لاهیجی یکی از سخنوران و سخندانان بزرگ است که بخش بزرگی از زندگانی پرسفر و پرماجرایی خود را در شبه قاره هند سپری کرده است. نام کوچک او محمد علی است. سلسله نسب وی از علی بن ابی طالب بن عبدالله بن علی عطاءالله بن اسماعیل بن اسحاق بن نورالدین محمد بن شهابالدین علی بن یعقوب بن عبدالواحد بن شمسالدین محمد بن احمد بن محمد بن جمالالدین علی بن شیخ تاجالدین ابراهیم معروف به زاهد گیلانی بن روشن امیر بن بابیل بن شیخ پندار «بندار» کردی السنجاقی است. شیخ محمد علی نام «حزین» را از شیخ خلیل الله طالقانی گرفت و در طول زندگی به عنوان تخلص شعری به کار برد. حزین طبق اظهارات خود روز دوشنبه ۲۷ ربیع الآخر سال ۱۱۰۳ هـ ق/ ۱۷ ژانویه ۱۶۹۲ م در اصفهان به دنیا آمد. پدرش ابوطالب دومین پسر شیخ عبدالله در سال ۱۰۵۷ هـ ق در لاهیجان به دنیا آمد و در بیست سالگی (۱۰۷۸ هـ ق) به شوق ادراک مصاحبت فضیلتی عراق به اصفهان رفت و محضر آنان را درک کرد. پدر ابوطالب تمام مدت عمر نگران بود که مبادا فرزندش در اصفهان ماندگار شود. به این علت، فقط هزینه مصارف اصلی زندگی را برای او می فرستاد و ابوطالب به هنگام تحصیل حتی قادر به خریدن کتاب نبود و بیشتر آنها را رونویسی می کرد. با این احوال کتابخانه وی پنج هزار جلد کتاب داشت. ابوطالب بعد از مرگ پدر، از برگشتن به لاهیجان منصرف شد و در اصفهان خانه ای خرید و با دختر

---

\* دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه دهلی.

عنایت الله اصفهانی ازدواج کرد و از او صاحب چهار فرزند پسر شد که به غیر از حزین سه فرزند دیگر در کودکی و جوانی درگذشتند.

ابوطالب در سال ۱۱۲۷ هـ ق/ ۱۷۱۵ م در ۶۹ سالگی درگذشت و در آرامگاه مصروف به بابا رکن الدین در جوار مقبره عارف ربانی مولانا محمد حسن دانشمند گیلانی به خاک سپرده شد.

پدر بزرگ او شیخ علی پسر عطاء الله، جد حزین، معلم خان احمد خان گیلانی، پادشاه گیلان بود. به علت مقام شامخ ادبی شیخ علی، احمد خان احترام زیادی برای او قائل بود. وی مؤلف شرح حدیث معراج، «شرح فارسی در کلیات قانون» است و بنا بر درخواست خان احمد خان، کتاب‌های زیر را شرح کرد: رساله اثبات واجب، رساله حل شبهه جذر اصم و شرح بر فصوص فارابی، تخلص شیخ علی وحدت بود و دیوانی مشتمل بر دو هزار بیت داشت.

وطن اصلی خاندان حزین آستارا بود تا اینکه یکی از اجدادش به نام شهاب الدین علی آستارا ترک کرد و در لاهیجان سکنی گزید. از آن زمان به بعد لاهیجان محل همیشگی ایشان گشت.

حزین آموزش را از چهار سالگی و با تشویق پدرش آغاز کرد. نخستین معلم وی، شاه محمد شیرازی است که آموزش وی را با سوره حمد آغاز کرد. او در مدت دو سال خواندن و نوشتن را آموخت. در هشت سالگی (۱۱۱۱ هـ ق) پدر او را وادار به فراگیری علم تجوید و قرائت قرآن کرد و زیر نظر ملک حسین قادری به آموختن پرداخت. در ده سالگی زیر نظر او به خواندن کتاب‌های زیر مشغول شد.

شرح جامی بر کافیه، شرح نظام بر شافیه، تهذیب، شرح ایساغوجی، شرح شمسیه، شرح مطالع در منطق، شرح هدایه، حکمت‌العین با حواشی، مختصر تلخیص، تمام مطول، مغنی اللیب، جعفریه، مختصر نافع، ارشاد، شرایع الاحکام در فقه، من لایحضره الفقیه، معالم الاصول.

حزین زندگی شاعرانه خود را از سنین کم آغاز کرد. از شانزده تا هیجده سالگی (۱۱۱۱-۱۱۰۹ هـ ق) توانست شعر بسراید. پدر آرزو داشت که او رشته‌های مختلف فرهنگ اسلامی را بیاموزد. بدین خاطر از شعله‌ور شدن استعداد شعری او جلوگیری

می‌کرد. او علی‌رغم پندهای احتیاط‌آمیز پدر به سمت شعر و شاعری کشانده شد و تشویق‌های شیخ خلیل الله طالقانی، اشتیاق او را شعله‌ور ساخت. او در فن شاعری هیچ معلمی نداشته و در این باره به هیچ نامی اشاره نکرده است.

شعرش دارای مضامین عارفانه و صوفیانه همراه با معانی بلند و شیرین و دلنشین، اما همچنان ملایم و دلنواز است. شعر او همچون اشعار حافظ پر از رمز و رازها و شگفتگی‌های عارفانه و قابلیت تصویرپذیری فراوان است و این قابلیت به گونه‌ای است که هم می‌توان به‌عنوان بهره‌مندی از لذات

علی قلی خان واله داغستانی، سیالکوتی مل وارسته، راجه بنارس بلوٹ سینگ، و دردهلی امرا و بزرگانی چون نواب شجاع الدوله، عبدالحکیم حاکم لاهوری (نویسنده تذکره مردم دیده)، خوشگو، عمده‌الملک متخلص به «انجام» و موزون در عظیم آباد از ممدوحان و مشتاقان حزین بودند.

این جهانی و هم به‌عنوان عشق الهی تعبیر و تفسیر کرد و از هردو جنبه هم لذت برد. حزین در شعرش، تحت تأثیر استادان قدیم و معاصر خود بوده است. تعدادی از این اشعار همراه با نام شاعری که از آنها تقلید کرده، در کلیات حزین، چاپ لکهنو در صفحاتی که آمده بدین قرار است:

سعدی، ص ۳۵۷، قاسم انوار، ص ۳۶۰ و ۶۳۷، فغانی، ص ۴۸۹، جلال‌الدین رومی، ص ۳۲۷، ۴۴۵، ۴۶۵، ۵۰۸، ۴۷۱، ۵۳۴، ۵۵۹ و ۶۰۴، جامی، ص ۵۵۰، سنایی، ص ۴۰۲، ۴۳۷ و ۴۱۹، وحدت، ص ۵۹۹.

حزین در آغاز جوانی به همراه جمعی از دوستانش به صحرا رفته بود که اسپ به‌زمین افتاد و استخوان دست راستش کوفته شد. پس از آنکه اندکی بهبود حاصل آمد همچنان در بستر بود و با دست چپ می‌نوشت خود می‌گوید: "که در این روزگار شعر بسیاری گفته، از آن جمله مثنوی ساقی‌نامه که حدود هزار بیت بود و مطلع آن این است:

خدایا تویی آگه از راز و بس بهشت از تو دارند یاکان هوس<sup>۱</sup>

۱. تاریخ حزین، ص ۱۵.

حزین به طوری که در تاریخ زندگانی خود می‌نگارد، دارای پنج دیوان بوده است: **دیوان نخستین**: حزین پس از اینکه بهبود کامل خود را بازیافت، دوباره به بیماری شدید درد مفاصل مبتلا گردید و مدت دو ماه بستری بود، درحالی‌که قدرت نوشتن نداشت، اشعاری سرود که دیگران برایش می‌نوشتند. گویا بنا بر خواهش میرزا عبدالغنی تفرشی که یکی از دوستان نزدیک حزین بود و در شناخت ادب پایه‌ای داشت، جمع‌آوری شد. این دیوان مشتمل بر قصاید و مثنوی‌ها، غزلیات و رباعی و تخمیناً هفت، هشت هزار بیت بود. حزین درباره این دیوان می‌گوید: "و آن اول دیوان این خاکسار است و در میانه مستعدان متداول شد".<sup>۱</sup>

**دیوان دوم**: دومین دیوانش را پس از مسافرت به شیراز و بنادر عمان و بازگشت به اصفهان ترتیب داد که به گفته خودش ده هزار بیت بوده است، مثنوی تذکرة العاشقین نیز که حدوداً هزار بیت است ضمیمه این دیوان بوده و مطلع آن چنین است:

ساقی ز می موخدا نه    ظلمت بر شرک از میانه

**دیوان سوم**: سومین دیوان حزین، چهار هزار بیت است که پس از مرگ پدر به سال ۱۱۲۷ هـ ق و مرگ مادر در دو سال بعد، یعنی به سال ۱۱۲۹ هـ ق در شیراز سرود و جمع‌آوری کرد. البته این هر سه دیوان در حمله افغان‌ها به اصفهان از بین رفت.

**دیوان چهارم**: حزین وقتی که به مشهد مسافرت کرد، اشعاری را که پس از دیوان سروده بود، در مجموعه‌ای که چهارمین دیوان است، گردآوری کرد. مثنوی خرابات که به شیوه بوستان سعدی سروده، ضمیمه این دیوان است. تعداد ابیات این مثنوی در حدود هزار و دویست بیت مطلع آن چنین است:

ثناهاست پیر خرابات را    که شست از دلم لوٹ طامات را

**دیوان پنجم**: حزین پنجمین دیوان خود را در هند ترتیب داد و هنگامی که تذکرة المعاصرین را به سال ۱۱۶۵ هـ ق می‌نوشت، دیوان پنجم را جمع‌آوری کرد. این دیوان مجموعه‌ای از پنج دیوان اوست که در کانپور (هندوستان به سال ۱۲۹۳ هـ ق/ ۱۸۷۶ م) به طبع رسیده است. به گفته سراج‌الدین علی خان آرزو: دیوان منتشر شده

۱. تاریخ حزین، ص ۳۱.

حزین همان دیوان چهارم و پنجم اوست، زیرا آن سه دیوان دیگر در فتنه افغان از میان رفته است.<sup>۱</sup>

در کلیات آثار حزین لاهیجی (۱۱۸۰-۱۱۰۳ هـ)، نمونه‌های بسیاری از ادب عربی چه جهلی و چه اسلامی، همچنین نام شاعران و سخنوران بزرگ و ادب عربی دیده می‌شود. استفاده بجا از بیت‌های عربی، نام شاعران سرشناسان و به‌کارگیری مثل‌ها و اصطلاحات ادب عربی در نوشته‌ها و اشعار حزین، استادانه و هنرمندانه انجام گرفته است. همچنین تلمیح به آیات قرآن کریم و احادیث به‌گونه‌ای بلیغ و شایسته به‌کار رفته است. نوشته‌ها و سروده‌های وی علاوه بر اصطلاحات فلسفی، عرفانی و کلامی از نمونه‌های اصطلاحات ادب عربی بارور است. وی گاهی بیت‌هایی در حدّ خود پُربار، به‌زبان عربی یا به‌صورت ملمّع سروده که خود گواه دیگری بر چیره‌دستی او در شعر ادب عربی است.

در نوشته‌ها و سروده‌های حزین به‌نام شاعران نامدار و سخنوران پُرآوازه‌ای برمی‌خوریم که شاعر به‌مناسبت‌هایی از آنها استفاده کرده است. وی، در بیشتر نمونه‌ها خود را با این شاعران بزرگ عرب هم طراز دانسته و حتی از آنها نیز برتر شمرده است. او نیز برخی از شخصیت‌های معروف عرب را که شاعر و نویسنده نبوده ولی در صفات دیگر برجسته بوده‌اند، در گفته‌های خود می‌آورد، مانند: سبحان وائل و یحیی برمکی که نخستین، خطیبی توانا در جاهلیت عرب و یحیی وزیر ایرانی و خردمند و بخشنده هارون‌الرّشید بوده است. از شخصیت‌های دیگر عرب نیز با صفات مثبت و منفی، در جای جای آثار خود نام می‌برد.

کلیات حزین، چاپ کانپور که به‌سال ۱۲۹۳ هـ ق منتشر شد، دارای سه بخش است:

الف: تاریخ احوال حزین؛

ب: دیوان اشعار؛

ج: تذکره حزین.

دیوان اشعار حزین نیز مشتمل بر این بخش‌هاست:

۱. تذکره مردم دیده، ص ۶۵.

۱. قصاید که نزدیک به دو هزار بیت است؛
۲. غزلیات که در حدود هفت هزار بیت است؛
۳. شعرهای متفرقه و ابیات پراکنده که در حدود هزار بیت است؛
۴. قطعه‌ها و ترکیب بند نزدیک به پانصد بیت است.

نخستین صفت حزین که سرتاسر زندگی او را فراگرفته و خود حزین نیز بارها بدان اشاره کرده است. همت بلند اوست و هرگز نگذاشته از احدی کمک به او برسد.

نثر حزین ساده و آسان و به دور از تصنع و پیچیدگی و ابهام است. در جملاتش از صنایع بدیع (استعاره، تشبیه، کنایه) کم استفاده می‌کند، اما گاهی اوقات نیز جملاتش طولانی و است که یک دستی نثرش را از بین می‌برد.

حزین در طول عمر با برکت خود دست به تألیف و تصنیف کتابهای بسیاری زد و در اکثر علوم و فنون سرآمدن شد. در شعر، هیئت، نجوم،

ریاضیات، رجال، فلسفه، عرفان، تفسیر، کلام، تاریخ علوم ادب، قرائت، فقه، اصول حدیث و مذاهب و ادیان و غیره صاحب نظر بود. تألیفات حزین، بنابر آنچه که خود اظهار می‌دارد به صد و نود و دو اثر می‌رسد.

در منابع مختلف فارسی، اردو و انگلیسی، دلایل متعددی برای مهاجرت وی به هندوستان ذکر شده است که عبارت‌اند از:

۱. بازی سرنوشت.
۲. اتهام شرکت در شورش لار که منجر به قتل ولی محمد شاملو نماینده حکومتی نادر شاه شد.
۳. از دست دادن ثروت پدری در نتیجه ولخرجی‌های فراوان و عزیمت به هند به جهت کسب درآمد و گذران معیشت.

بدون شک سبک شعر حزین سبک هندی یا اصفهانی است، شعر پارسی در عهد صفویان از حیث الفاظ و تعبیر به سبک هندی است، از مسائل مهم ادبی این عصر، نفوذ و انتشار زبان و ادبیات فارسی در ممالک مجاور خصوصاً هندوستان بود. البته سخن‌پردازان فارسی‌گوی هندی در نازک‌کاری‌ها و مضامین مبتذل و دقت خیال بیشتر

از گویندگان ایرانی غلو کردند و بهزینت و طنطنه الفاظ و باریکی معانی پرداختند. البته شعرایی چون صائب تبریزی و کلیم کاشانی و حزین لاهیجی در عین اینکه در عصر صفوی بودند از این گونه ابتدال به دور بودند.

با اینکه حزین در آخر روزگار این شیوه می‌زیسته، شعرش برخلاف همه معاصرانش و حتی بسیاری از پیشینیانش از نظر بیان و تخیل بسیار روشن و فصیح است. البته از صائب تبریزی و کلیم کاشانی اگر بگذریم حزین را می‌توان از شاعران درجه اول سبک هندی شمرد و این نکته‌ای است که همه شاعران معاصر وی بدان اعتراف کرده‌اند و حتی بعضی او را همپایه صائب دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

حزین در روزگار خویش مورد توجه همه شاعران و شعر دوستان بود و با بیشتر شاعران عصر خویش رابطه آشنایی و دوستی داشت. وی در تذکره خویش، حدود یک صد تن از اهل دانش و شاعری را نام می‌برد که در زندگی با آنها معاشرت و دوستی داشته است و نیز از تذکره‌هایی که به شرح زندگی وی پرداخته‌اند، به خوبی دانسته می‌شود که حزین همواره مورد نظر شاعران معاصر خویش بوده و همه به زیارت او می‌شتافته‌اند. بسیاری از شاعران ایرانی و هندی به شاگردی وی افتخار می‌کرده‌اند و از او می‌خواستند تا درباره شعرشان اظهار نظر کند، همانند ملا مختار نهاوندی. حزین در تذکره خود درباره او می‌نویسد:

”در شعر، جودت بیان و طبع روان داشت. اشعارش چون اکثر یاران‌اند.“

به‌حدی شخصیت او مورد اهمیت و توجه شاعران بود که بعضی از شعرای عصر او از همه کار وی تقلید می‌کرده‌اند.

حتی از نظر قیافه و رفتار. در تذکره مردم دیده در شرح حال شهید تهرانی چنین می‌نویسد:

”چندی صحبت شیخ محمد علی حزین را یافته، به شاگردی‌اش افتخار می‌ساید، فقیر او را یک‌بار دیدم، هرچند به‌وضع شیخ محمد علی حزین خود را درست کرده، لیکن چه نسبت به شیخ دارد، مرد ساخته‌ای به‌نظر آمد.“

۱. تذکره حسینی، ص ۱۰۷.

حزین در تذکره خویش از شاعران بسیاری که با آنها دوستی داشته یاد می‌کند. شاعرانی مانند وحید قزوینی، تمنای شیرازی، میر نجات و شفیعا (اثر شیرازی) و سخا و نصرت خراسانی و مخلص کاشی و حضوری قمی داشته است، مانند: تعظیم مازندرانی نیز یکی از آنهاست که حزین در تذکره‌اش درباره‌ی وی چنین می‌گوید:

”ملاً محمد تقی تعظیم مازندرانی ساکن قطن و شاعر پاکیزه سخن بود. فقیر او را دیده‌ام. چند دفعه مراسلاتش با مسوده غزل می‌رسید تا در سال ۱۱۲۸ هـ ق در بلده بارفروش مازندران رحلت کرد“<sup>۱</sup>.

در هند نیز شاعران بسیاری با حزین دوستی و آشنایی داشته‌اند و گروهی شاگرد وی بوده و از او تخلص داشته‌اند، از آن جمله:

”شیخ آیت الله متخلص به «ثنا»، شاگرد حزین بوده و از وی تخلص داشته است“<sup>۲</sup>.

اولین بخش زندگی حزین به مدت ۴۳ سال و به طور کامل در نیمه اول قرن دوازدهم هجری (۱۱۰۳ هـ ق - ۱۱۴۶ هـ ق) در ایران گذشت. شرح کامل این سال‌ها در تذکره‌الاحوال معروف به تاریخ حزین به قلم وی آمده است. آنچه شخصیت او را در هاله‌ای از ابهام فرو برده بخش دوم زندگی اوست که در نیمه دوم همان قرن (۱۱۴۶-۱۱۸۰ هـ ق) در هندوستان سیری شد ارزش تحقیق سرفراز خان ختک در این نکته است که در هند با مراجعه به منابع متعددی که در دسترس داشته بسیاری از ابهامات زندگی او را برطرف کرده است.

در تلخیص و ترجمه زیر بیشتر به نیمه دوم زندگی او پرداخته شده است، به این جهت که بیشتر با نگفته‌ها آشنایی حاصل شود تا گفته‌های مکرر.

بنارس، مقدس‌ترین شهر هندوها، خود یک هند کوچک است. در این شهر، مکانها و مقابر تاریخی مهمی وجود دارد که شناخته شده‌ترین آن مقبره شیخ علی حزین است که در منطقه فاطمیان قرار دارد.

۱. تذکره حزین، ص ۷۰.

۲. سفینه هندی، ص ۴۶.



حزین از ابتدا یک شیعه معتقد و با ایمان و حقیقتاً دیندار و پرهیزکار بود. او در دیوان چهارم، قصاید بسیاری در مدح حضرت علی<sup>(ع)</sup>، امام موسی الرضا<sup>(ع)</sup>، احمد بن موسی الکاظم<sup>(ع)</sup> و امام مهدی<sup>(ع)</sup> سروده است.

شاگردان شیخ علی حزین لاهیجی، باسطی، میرزا حیدر، گمار چیت سینگ، میرزا محمد هاشم آرتیمانی، شیخ گلشن علی، متین، موزون، نقی، نیازی، سابق، سامی، تفضل حسین خان کشمیری، خرد، زایر، ثنا (اول)، ثنا (دوم)، آغا طاهر شیرازی، میرزا عبدالرضا متین، مادهورام، رای متهرا پرشاد، شهید تهرانی، واله داغستانی مصنف ریاض الشعرا و... هستند.

سراج الدین علی خان آرزو، میرزا محمد عظیم ثبات و ملّا ساطع کشمیری از منتقدان حزین در هند بودند.

علی قلی خان واله داغستانی، سیالکوتی مل و ارسته، راجه بنارس بلونت سینگ، و در دهلی امرا و بزرگانی چون نواب شجاع الدوله، عبدالحکیم حاکم لاهوری (نویسنده تذکره مردم دیده)، خوشگو، عمده الملک متخلص به «انجام» و موزون در عظیم آباد از ممدوحان و مشتاقان حزین بودند.

نخستین صفت حزین که سرتاسر زندگی او را فراگرفته و خود حزین نیز بارها بدان اشاره کرده است. همّت بلند اوست و هرگز نگذاشته از احدی کمک به او برسد، گرچه از سلاطین عالی شان باشند و چه خوش گفته است شاعر پارسی زبان:

همّت بلند دار که مردان روزگار از همّت بلند به جایی رسیده اند

حزین با فکر و اندیشه‌ای باز برای تحقیق و شناسایی ادیان مختلف بسیار کوشیده و یا بزرگان آنها دیدار و مذاکره کرده و درباره اعتقاداتشان به تحقیق پرداخته است. مطالعه در مسیحیت، مطالعه در آیین یهود، مطالعه در آیین زرتشت، مطالعه در آیین صابئین، مطالعه در مذاهب اسلامی و تشیع از آن جمله است.

حزین در جوانی عاشق زنی زیبا و دلفریب شد. عشق شدید، او را به بستر بیماری کشاند و مدت دو ماه او را به شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی دچار ساخت از میان همه اطبایی که برای معالج او آمده بودند میرزا شریف او را درمان کرد، ولی در حقیقت با این بهبود زندگی عاشقانه خود را هم از دست داد و تا پایان عمر مجرد

باقی ماند. در جوانی، پدر او مادر و اطرافیان او را تشویق به ازدواج کردند، ولی او به علت عشق مفرط به آموختن، این پیشنهادها را نپذیرفت. بعید به نظر می رسد در سه سال آخر عمرش که ۷۴ سال از سنش می گذشته و همیشه هم بیمار بوده، ازدواج کرده باشد. در تذکره های متأخر هم هیچ اشاره ای به این مسأله نشده است.

صاحب تذکره بی نظیر در تذکره ارزشمندش درباره اواخر زندگی حزین چنین می نویسد:

”در هنگامه نادر شاه از ایران دیار وارد هندوستان گردید و مدتی در شاهجهان آباد گذرانید و از آنجا رخت به شهر بنارس کشید و همانجا رحل اقامت افگند. در این ایام قبری برای خود ساخته انتظار اجل موعود می کشد و اکثر بر زبانش می گذرد این قدر دیر چرا؟ او برای قبر لوحی از سنگ تراشیده و این دو بیت بر آن نقش کرده:

زبان دان محبت بوده ام دیگر نمی دانم

همین دانم که گوش از دوست پیغامی شنید اینجا

حزین از پای ره پیما بسی سرگستگی دارم

سر شوریده بر بالای آسایش رسید اینجا<sup>۱</sup>

به هر حال شیخ علی حزین ایام زندگانی اش را در بنارس اقامت گذاشت. شهرت و محبوبیت وی بدین درجه رسیده بود که از سراسر کشور هند شعرا و امرا قصد بنارس می کردند و زیارتش را افتخار می دانستند. شعرای بزرگ هند میرزا فاخر مکین، امیرخان انجام، نورالعین واقف تقریباً هر روز شرف دیدار می کردند. از بیان بهگوان داس هندی، نواب شجاع الدوله به خاطر زیارتش به بنارس رفت و تا مدتی در خدمت شیخ ماند. بهگوان داس در تذکره خود راجع به آمدن نواب شجاع الدوله به خدمت شیخ و فارسی دانی شیخ و تسلط وی بر شعر و سخن عبارت ذیل را نوشته است:

”در هنگامی که شیخ در آنجا مقیم بود اعزّه آن شهر به خدمتش حاضر می بودند.

پادشاه جمجاه نواب شجاع الدوله بهادر مرحوم نیز به ملاقات شیخ رفته بودند.

۱. تذکره بی نظیر، ص ۵۹.

به اعتقاد راقم کسی به بسیاری دانی و زبان‌آوری او در آن عهد نبود. تصانیف متعدده دارد و خط شیرین می‌نگاشت<sup>۱</sup>.

حزین اواخر زندگانی خود از هند دلگیر شد و از این جهت در هجو هندوستان چند رباعی نوشت و برای شعرای متعصب هندپرست فرستاد. همچنین یک رباعی در هجو هند نوشته و برای شاه اجمل اله‌آبادی فرستاد. شاه اجمل وطن دوست بود، لذا جواب این رباعی را به صورت مدح‌سرایی وطن تقدیم کرد. صاحب تذکره روز روشن چنین می‌گوید: همه خوبی‌های این کشور به نظر وی زشت می‌رسد.

«شیخ علی حزین این رباعی را خود به خدمت شاه اجمل فرستاد:

دیدم که سواد هند حسرت زار است روز که و مه چو شام هجران تار است

بسته‌ست به کار همه‌شان بخت گره اینجا گره کشاده در شلوار است<sup>۲</sup>

شاه در جوابش نوشت:

صبح طرب هند چو روی یار است شام خوش او چو کاکل دلدار است

اینجاست کشاده صد هزاران در فیض جز یک گرهی که بسته در شلوار است<sup>۳</sup>

حزین در نیمه شب پنجشنبه یازدهم جمادی‌الاول ۱۱۸۰ هـ ق (پانزدهم اکتبر ۱۷۶۶ م) در محله «کچی‌سرای» درگذشت و عصر همان روز در باغ بی بی فاطمه<sup>(س)</sup> و در مقبره‌ای که در زمان حیاتش بنا کرده بود به خاک سپرده شد. غلام علی خان آزاد ماده تاریخ زیر را در مرگ حزین سروده است:

علامه عصر و شاعر خوب افسوس که از میانه برخاست

تاریخ وفات او نوشتم «از فوت حزین، حزین دل ماست»

که مصرع «از حزین، حزین دل ماست» مساوی با ۱۱۸۰ هـ ق است. این ماده تاریخ که در بخش آخر کلیات حزین (لکهنو، ص ۱۰۳۰) و آفاق تذکره حزین آمده، صحیح است، ولی در خزانه عامره چاپ لکهنو، این تاریخ به اشتباه ۱۱۷۹ هـ ق ثبت شده، و این از ثبت نادرست عبارت «ماست» ناشی می‌شود. در این منبع، شعر به همان شکل که

۱. تذکره سفینه هندی، ص ۵۱.

۲. این رباعی در کلیات شیخ علی حزین در ص ۷۵۵ هم دیده می‌شود که در مطبع آوگ اخبار طبع شده است.

۳. تذکره روزه روشن، ص ۲۹.

خوانده می‌شود نوشته شده، یعنی به جای «ماست» آمده که بر اثر ساقط شدن یک الفاظ الف، تاریخ اشتباه ذکر شده است، ولی در نسخه خطی خزانه عامره (متعلق به کتابخانه لیتون، شماره ۹۲۰/۲۰ برگ ۱۰۸ ب) عبارت و تاریخ هر دو صحیح است. گمان می‌رود کلیات حزین (چاپ لکهنو) از روی همین نسخه به چاپ رسیده باشد. ماده تاریخ زیر از عبدالغفور نسّاخ است:

پی سال ترحیل فوت حزین نوشتم «غم جاودان حزین»  
عبارت «غم جاودان حزین» برابر ۱۱۸۰ ه ق است.

### منابع

۱. آرزو گویاری، سراج‌الدین علی خان: مجمع‌التفایس (تألیف: ۱۱۶۴ ه - تذکره شعرای فارسی سده دوازدهم هجری)، تصحیح و ترتیب دکتر عابد رضا بیدار، کتابخانه عمومی خدابخش، پتنا، چاپ اول ۱۹۷۷ م و چاپ دوم ۱۹۹۲ م.
۲. اختر مهدی، دکتر: شاه محمد اجمل اله‌آبادی و ادب فارسی، مرکز تحقیقات فارسی، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۱۳۷۱ ه ش (۱۹۹۲ م).
۳. افتخار بخاری دولت‌آبادی، سید عبدالوهاب: تذکره بی‌نظیر (تألیف: ۱۱۷۲ ه)، ترتیب و تصحیح سید منظور علی، سنیت هاؤس، اله‌آباد، ۱۹۴۰ م.
۴. حاکم لاهوری، حکیم بیگ خان ملقب به «شاه عبدالحکیم»: مردم دیده، به‌اهتمام دکتر سید عبدالله، انتشارات پنجابی آکادمی، لاهور، ۱۳۳۹ ه ش/۱۹۶۱ م.
۵. حزین لاهیجی، شیخ محمد علی: تذکره حزین، مرتبه منشی غلام حسین خان آفاق بنارسی، لکهنو، ۱۹۱۷ م.
۶. حیرت اکبرآبادی، قیام‌الدین: مقالات الشعرا، به تصحیح نثار احمد فاروقی، علمی مجلس، دهلی، ۱۹۶۸ م.
۷. عاشقی عظم‌آبادی، حسین قلی خان: نشتر عشق (تألیف: ۳۳-۱۲۲۴ ه)، تصحیح از اصغر جانفدا، مؤسسه شرق‌شناسی، آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی، دوشنبه، تاجیکستان، پنج جلد، ۸-۱۹۸۱ م.

۸. غنی موفرخ آبادی، محمد عبدالغنی (م: ۱۳۳۵ هـ): تذکرة الشعرا (تألیف: ۱۹۱۰ م)، تصحیح دکتر محمد اسلم خان، انتشارات مسعود احمد دهلوی، دهلی، ۱۹۹۹ م.
۹. قربانی، حجّة الاسلام و المسلمین علامه زین العابدین: (مهتمم) مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت علامه ذوفنون محمد علی حزین لاهیجی (۱۶-۱۵ شهریور، لاهیجان)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۱۰. دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) بخش دوم: ح.ع. به سرپرستی حسن انوشه (جلد چهارم).